



سال یازدهم/ بهار ۱۴۰۱

تحلیل گفتمان چند وجهی^۱

• گونتر کرس^۲

• زهرا مجدی زاده^۳، منصوره حجاری^۴

DOR: 20.1001.1.38552322.1400.10.41.14.9

تحلیل گفتمان چند وجهی چیست؟

تاریخچه تحلیل گفتمان با ابهامی پیرامون نام «گفتمان»^۵ احاطه شده است. این اصطلاح، قلمرو وسیعی از معنا را دربرمی‌گیرد که در جایی میان دو «نشانگر» قرار دارد. به طور کلی، ممکن است چیزی شبیه به «ارائه گزارش‌های مربوط به بسط زبان در حال استفاده» و «کشف ویژگی‌های برجسته اجتماعی، سیاسی، روانی در موجودیت‌های شبه‌متنی^۶ باشد». در زبان شناسی اجتماعی^۷، عموماً تأکید و تمرکز عمده بر درک ارتباط بین (محیط‌های^۸) استفاده از زبان و (ویژگی‌های^۹) زبان مورد استفاده بوده است (هایمز، ۱۹۶۴؛ لایوف، ۱۹۶۶، ۱۹۷۲؛ برنشتاین، ۱۹۸۴).

در چنین کارهایی، «اجتماعی بودن» و معانی و آثار آن، برجسته‌تر و به‌عنوان پیش‌زمینه^{۱۰} در نظر گرفته می‌شود: چه کسی صحبت می‌کند، گفتگو با چه کسی صورت می‌پذیرد، در چه زمانی، با چه اهدافی و با استفاده از چه روش‌هایی. این عوامل و اهداف ردی از

1 Multimodal discourse analysis

2 Gunther Kress

۳ دانشجوی دکتری ارتباطات دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ zahra.majdzade@ut.ac.ir

۴ دانشجوی دکتری ارتباطات دانشگاه تهران؛ hajjari@ut.ac.ir

5 discourse

6 markers

7 text-like entities

8 sociolinguistics

9 environments

10 features

11 foregrounded

خود به جا می‌گذارند - خواه جزئیات تلفظ^۱ در کارهای اولیه لایف یا منظم و قاعده‌مند^۲ بودن استفاده از محدوده خاصی از منابع زبانی^۳، که منجر به توسعه مفهوم «کدها»^۴ در نظریه برنشتاین می‌شود.

در رویکردهایی که بیشتر زبان‌محور هستند و نه با محوریت زبان‌شناسی اجتماعی یا جامعه‌شناسی، تأکید بر این بوده است که آیا می‌توان نظامات و قواعدی از نوع «رسمی»^۵ را در «بسط»^۶ گفتار و نوشتار «فراتر از» جمله، متمایز کرد و تشخیص داد؛ تا حدودی شبیه به مواردی که زبان‌شناسی در دهه ۱۹۷۰ در ارتباط با جمله به وجود آورده بود؛ چه در ساختارگرایی آمریکایی در اواسط قرن و چه در برداشتهای چامسکی مآبانه^۷ از سازماندهی زبان در سطح جمله یا سطح پایین‌تر از آن. برای کارهای نوع دوم، اصطلاح زبان‌شناسی متنی^۸ - به جای تحلیل گفتمان - معمولاً در «جریان اصلی»^۹ زبان‌شناسی استفاده شده است (ون دیک، ۱۹۷۷؛ ووداک و مایر، ۲۰۰۱). در این میان، موضوعات بی‌شماری وجود دارد، همان‌گونه که نسخه‌های متمایز - و تاریخچه - مشارکت‌کنندگان این اثر، این موضوع را به روشنی نشان می‌دهد. کسانی بودند که مانند نگارنده، به بیان قدرت و «دانش»^{۱۰} در زبان و از طریق آن، علاقه نشان داده بودند (کرس و هوج، ۱۹۷۹؛ فاولر و همکاران، ۱۹۷۹؛ هاج و کرس، ۱۹۹۳). که استفاده فوکو از آن‌ها و ابداع اصطلاح گفتمان (فوکو، ۱۹۸۱، کرس، ۱۹۸۹/۱۹۸۴؛ فرکلاف، ۱۹۹۲؛ جی، ۱۹۹۹، ۲۰۰۸) ابزار مهمی برای گسترش تحقیق در مورد رابطه «داده‌های اجتماعی»^{۱۱} و زبان فراهم کرده است. در نوشته‌های فوکو، گفتمان به عنوان «دانش» نهادی تولید شده، مقوله‌ای اجتماعی به حساب می‌آید تا زبانی. مقوله اجتماعی که به عنوان «منبع و خاستگاه» معنا در نظر گرفته می‌شود.

با توجه به طیف وسیع کاربردهایی که توضیح داده شد، اصطلاحات متن^{۱۱} و گفتمان^۱، اغلب کم و بیش به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، به‌عنوان نام‌هایی برای «بسط گفتار یا

1 pronunciation
2 regularity
3 linguistic resources
4 codes
5 formal
6 Chomskyan
7 text-linguistics
8 mainstream
9 knowledge
10 social givens
11 text

نوشتار^۲ و هم‌چنین، اشاره به معانی اجتماعی «ذاتی»^۳ در چنین متونی. گفتمان، به سادگی در رابطه با رویکرد^۴ (سیاسی/ فلسفی) فوکو استفاده می‌شود (فوکو، ۱۹۸۱؛ کرس، ۱۹۸۹/۱۹۸۴؛ فرکلان، ۱۹۹۲؛ جی، ۱۹۹۹، ۲۰۰۸)؛ یا به عنوان مشخصه‌ای از تعامل اجتماعی^۵ به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد دانش اجماعی و مبتنی بر رضایت^۶، همانند کار هابرماس (۱۹۸۴)؛ یا به شکل کلی‌تر برای نامیدن مفاهیم اجتماعی (مانند کار لایبوف یا هایمس)؛ یا در رویکرد نسبتاً رسمی سینکلر و کولتارد (۱۹۷۵) نسبت به سازماندهی تعامل زبانی در کلاس‌های درس مدّ نظر قرار می‌گیرد. کثرت کاربردها، معنای اصطلاح گفتمان (و تحلیل گفتمان) را مبهم و غیرشفاف و بنابراین، استفاده از آن را به عنوان یک ابزار توصیفی^۷ و تحلیلی^۸ مشکل‌ساز کرده است.

این واقعیت، سؤالاتی در مورد دو اصطلاح دیگر ایجاد می‌کند: ایدئولوژی^۹ و متن^{۱۰}. ما در این‌جا از اولی به عنوان عنوانی برای پیکربندی^{۱۱} خاص گفتمان‌های موجود در هر متن واحد، استفاده می‌کنیم. در رویکرد ما، متن، محل مادی ظهور گفتمان(های) غیرمادی است. ریشه-شناسی^{۱۲} کلمه متن توجه افراد را به نتیجه فرایندهای «بافتن»^{۱۳} متفاوت «بخ‌ها - تار و پودها»^{۱۴} - که معمولاً به صورت گفتار^{۱۵} (سخنان) یا نوشتار^{۱۶} فرض می‌شود، به یک کلّ منسجم جلب می‌کند. «بافندگی» به شکل ضمنی، به «بافنده» اشاره دارد که حس انسجام را درک می‌کند. در تحلیل گفتمان چندوجهی^{۱۷} (MMDA) - مانند دیگر انواع تحلیل گفتمان - این سؤال که «بافنده» کیست و چه شکل‌هایی از «انسجام»^{۱۸} توسط او یا آن‌ها شکل می‌گیرد، همواره مسئله مهمی است.

-
- 1 discourse
 - 2 extended stretches of speech or writing
 - 3 inherent
 - 4 approach
 - 5 social interaction
 - 6 consensual knowledge
 - 7 descriptive
 - 8 analytical
 - 9 ideology
 - 10 text
 - 11 configuration
 - 12 etymology
 - 13 weaving
 - 14 threads
 - 15 speech
 - 16 writing
 - 17 multimodal discourse analysis (MMDA)
 - 18 coherence

در تحلیل گفتمان چند وجهی، «موضوعات - نخها، رشته‌های» متنی بسیار هستند و از نظر مادی متنوع هستند: ژست (اشاره و رفتار)^۱، گفتار، تصویر^۲ (ثابت یا متحرک)، نوشتار، موسیقی (در یک وبسایت یا در یک فیلم). این موارد و همچنین موجودیت‌های سه بعدی را می‌توان در یک کل متنی^۳/نشانه‌شناختی^۴ ترسیم کرد. متن، در تحلیل گفتمان چند وجهی، یک موجودیت نشانه‌شناختی چندوجهی در دو، سه یا چهار بعد است: مانند زمانی که دانش-آموزان در کلاس علوم تجربی، مدلی سه بعدی از یک سلول گیاهی می‌سازند، یا هنگامی که نمایش‌نامه‌ای را که توسط خود آن‌ها نوشته شده را در کلاس ادبیات اجرا می‌کنند (فرانکس، ۱۹۹۵، ۱۹۹۷؛ فرانکس و جوییت، ۲۰۰۱). متون، از هر نوعی که باشند، نتیجه کار نشانه-شناسی طراحی و فرایندهای ترکیب و تولید هستند. آن‌ها در نتیجه مجموعه‌هایی متشکل از وجوه و سبک‌های مختلفی تشکیل می‌شوند که بر آثار نشانه‌ای^۵ عوامل موثری که سازنده چنین متونی هستند، تکیه دارند.

متون، علایق سازندگان خود را تحقق می‌بخشند. یک متن از مسیر استفاده از منابع نشانه-شناختی که از لحاظ داخلی انسجام را در بین عناصر متن ایجاد می‌کند، و در خارج، با عناصر محیطی که متون در آن اتفاق می‌افتند، ایجاد و منسجم می‌شود (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶؛ ون لیون، ۲۰۰۵؛ بزمر و کرس، ۲۰۰۸؛ کرس و بزمر، ۲۰۰۹). در کار نشانه‌شناسی تفسیری، در بازسازی درونی متن، مفسر نشانه‌شناس، همچنین متنی منسجم و تازه ساخته شده که نتیجه تفسیر اوست را تولید می‌کند. هیچ تضمینی وجود ندارد که نوع انسجام متن جدید مانند متن مورد نظر باشد.

انسجام، یک ویژگی تعیین‌کننده برای متن است. اصول انسجام، ریشه‌های اجتماعی دارد و چون اجتماعی هستند، به مفاهیم «نظم اجتماعی»^۶ اشاره دارند. انسجام یک متن، از انسجام محیط اجتماعی که در آن تولید می‌شود، یا آن را نشان می‌دهد، نشأت می‌گیرد؛ و با روش نشانه-شناسی محقق می‌شود. با این وجود، تصمیم برای انتخاب جنبه‌های خاص انسجام، برای شکل دادن به انسجام، برای نسبت دادن انسجام به یک موجودیت متنی/نشانه‌ای یا برای نادیده گرفتن وضعیت انسجام، همواره [وابسته به] اثر موقعیت اجتماعی سازنده^۷ و بازسازنده^۱ مجدد یک متن خواهد بود. قدرت در ساخت^۲، شناخت^۳ و انتساب^۴ انسجام در یک متن، نقش بسزایی دارد.

1 gesture

2 image

3 textual

4 semiotic

5 semiotic work

6 social order

7 maker

به طور ضمنی، «انسجام» به عنوان یک ویژگی متنی، سبب ایجاد سؤالاتی می‌شود؛ از جمله: نحوه سازماندهی «اجتماعی» چگونه است؟ موجودیت‌های برجسته آن کدامند و در این خصوص چگونه پیکربندی می‌شوند؟ و از آن‌جا به سمت نشانه‌شناسی بیشتر و این‌که چه چیزی با چه چیز ارتباط دارد و از چه راه‌هایی حرکت می‌کنیم؟ در مجموعه موجودیت‌های یک متن، چه چیزی متعلق به کجاست؟ از آن‌جایی که انسجام، [دارای ماهیتی] اجتماعی است و بنابراین تغییرات اجتماعی را «پیگیری می‌کند»، متون، مفاهیم نظم جامعه را که این اصول منظم تدوین کرده و از آن‌ها به عنوان منبعی برای ایجاد و حفظ پیوستگی^۵ و انسجام^۶ در جامعه استفاده می‌کند، به نمایش می‌گذارند. در متون، این اصول اجتماعی به عنوان اصول نشانه‌شناختی که مادی، آشکار، قابل مشاهده و ملموس هستند، ظاهر می‌شوند.

از نظر اجتماعی، اصول انسجام از جامعه‌ای به جامعه دیگر و برای گروه‌های مختلف در جوامع متفاوت است. به عنوان مثال، اصولی که از سوی گروهی بر اساس نسل تعریف شده‌اند (به عنوان ساختار اجتماعی سن). بعید به نظر می‌رسد که اصول آموزگاران با نسل جوان، مثلاً دانش‌آموزان، یکسان باشد. از آن‌جایی که ساختارهای قدرت اکنون دیگر لزوماً در نسل‌ها کار نمی‌کند، در حال حاضر شکاف فزاینده‌ای میان اصول نظم (اجتماعی و نشانه‌شناختی) که از سوی نسل جوان رعایت می‌شود و اصول «پیش از آن‌ها» وجود دارد.

تا حدودی، متون تشکیل‌دهنده نهادهای اجتماعی هستند. آن‌ها تا حدودی اثری از اقدامات (و کنش متقابل)، در چنین نهادهایی هستند و در این صورت، آن‌ها ابزاری برای «قرائت^۷» علایق و اهداف کسانی که در ساخت متون در یک نهاد دخیل هستند، فراهم می‌کنند. این امر، مقوله متن را در تحلیل گفتمان^۸ (DA) ضروری و قابل توجه می‌سازد. و متن را به وضوح از نظر اجتماعی و نشانه‌شناختی، از گفتمان متمایز می‌کند.

به عبارت کلی‌تر، هدف تحلیل گفتمان چند وجهی، تدوین ابزارهایی است که بتواند با بینشی^۹ صحیح، ارتباط معانی یک اجتماع و نمودهای نشانه‌شناختی^۱ آن را درک کند. در

1 re-maker

2 making

3 recognition

4 attribution

5 cohesion

6 coherence

7 reading

8 discourse analysis (DA)

9 insight

تحلیل گفتمان چند وجهی، استفاده شایسته از وجوه^۲، برای تحقق گفتمان‌ها در متن در یک موقعیت خاص، سؤالی محوری است. یک رویکرد چندوجهی، فرض می‌کند که زبان، چه به صورت گفتاری و چه به صورت نوشتاری، یکی از ابزارهای موجود برای بازنمایی^۳ و ساخت معنا^۴ است. در این رویکرد، فرض می‌شود که معانی آشکار شده با شکل‌های مختلف تحلیل گفتمان (DA) با تکیه بر تجزیه و تحلیل نوشتار یا گفتار، فقط معانی «جزئی^۵» هستند. معانی سازنده یک متن به عنوان یک کل، در معانی‌ای قرار دارد که به شکل مشترک توسط همه وجوه یک متن ساخته شده است. اگر من علاقه‌مند به درک مفاهیم کلی در یک جامعه باشم، گفتار یا نوشتار - به تنهایی یا حتی در کنار یکدیگر - تنها بخشی از معنا را ارائه می‌دهد.

مقوله گفتمان (به معنای فوکویی آن) با همه معانی مورد بحث در اقدامات (و کنش متقابل) اجتماعی که در متن پدیدار می‌شود، سروکار ندارد. ژانر^۶، مقوله‌ای است که سازماندهی شرکت-کنندگان اجتماعی درگیر در ساخت و بازسازی یک متن را به رسمیت می‌شناسد، در همان سطح گفتمان عمل می‌کند: آن‌ها به طور مشترک، پایه‌های اجتماعی متن هستند (کرس، ۱۹۸۹/۱۹۸۴). معانی دیگر، فراتر از معنای گفتمان و ژانر، بایستی در کنار توصیف کاملی از تعامل اجتماعی - به عنوان نمونه، بزرگ یا کوچک، رسمی یا غیررسمی، معانی مربوط به نسل یا منطقه، مورد توجه قرار گیرند. قدرت در همه این‌ها، در همه جا و به روش‌های متعددی بیان می‌شود. توجه کردن به گفتمان، به تنهایی برای ارائه شرح کامل معنا در موقعیت‌ها و عادات و شیوه‌های اجتماعی در متونی که در آن‌جا تولید شده‌اند، کافی نیست. گزارشی جامع از قدرت و معنا به مقوله‌های نشانه‌شناسی بیشتری نیاز دارد.

بنابراین، به عنوان مثال، صرف‌نظر از گفتمان‌های مورد استناد، یک گوینده یا نویسنده باید با یک مقوله اجتماعی - نشانه‌شناسی عمومی مانند «مجاورت^۷» و «دوری^۸» برخورد کند و از ابزار نشانه‌شناسی برای درک معانی آن‌چه براون و گیلمن، «قدرت^۹» و «همبستگی^{۱۰}» نامیده‌اند برخوردار باشد (براون و گیلمن، ۱۹۶۸): در زبان انگلیسی، استفاده از زمان گذشته

-
- 1 semiotic manifestations
 - 2 modes
 - 3 representation
 - 4 making meaning
 - 5 partial
 - 6 Genre
 - 7 proximity
 - 8 distance
 - 9 power
 - 10 solidarity

در برابر زمان حال (کرس، ۱۹۷۵؛ کرس و هاج، ۱۹۷۹)، یا استفاده از عبارات مربوط به فاصله، مانند «این» در برابر «آن»؛ و هر تعداد ابزار دیگر، در حالت‌های مختلف و فرهنگ‌های مختلف با هم متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال، اگر یک مسئله مهم در تحلیل گفتمان چند وجهی، شرح کامل قدرت باشد، می‌توان آن را با عنوان طرحی برای گفتمان چند وجهی جامع نامید، حتی اگر در محدوده دسته‌بندی‌هایی باشد که به عنوان «جعبه ابزار» مطرح شده و فراتر از توصیف استفاده از گفتمان‌ها هستند. تحلیل گفتمان چند وجهی، توصیف و تجزیه و تحلیل هر متنی را - به عنوان یک امر نشانه‌شناسی کامل و منسجم - نامگذاری می‌کند که هدف آن توصیف و تجزیه و تحلیل آن‌چه در یک متن می‌گذرد، از جمله کارکرد قدرت در تعاملات اجتماعی است. در تحلیل گفتمان چند وجهی، درک هر متن مستلزم درک انتخاب گفتمان‌ها و «ترتیب^۱» آن‌ها است - این‌که کدام یک غالب است، هر کدام چه کارکردهایی دارد. معانی دیگری تیز موجود است و با گفتمان‌های موجود در متن، در آرایش ایدئولوژیک، چارچوب‌بندی می‌شوند. تحلیل گفتمان چند وجهی، مانند سایر شکل‌های تحلیل گفتمان، اقدام به توسعه ابزارهایی می‌کند که می‌توانند در چنین کاری مورد استفاده قرار گیرند. در این مقاله سعی می‌کنیم پنج سؤال اساسی را بیشتر توضیح دهیم. (برخی از) موضوعات کلیدی که تحلیل گفتمان چند وجهی آشکار کرده‌است، کدام‌اند؟ ارتباط تنگاتنگ و محوری این پرسش‌ها این است: تحلیل گفتمان چند وجهی چیست؟ سپس، مسئله زیر مطرح می‌شود: چارچوب نظری نشانه‌شناسی اجتماعی برای دیدگاه ارتباطات و اقدامات (و کنش متقابل) شامل چه مواردی می‌شود؟ با توجه به موقعیت حرفه‌ای نگارنده در یک مؤسسه آموزشی، آنچه می‌خواهیم بدانیم این است که: تحلیل گفتمان چند وجهی در مورد یادگیری و زندگی اجتماعی چه چیزی می‌تواند به ما بگوید؟ و سؤالی که پاسخ سوالات قبلی را جمع‌بندی می‌کند این است: چرا یک نشانه‌شناسی اجتماعی تحلیل گفتمان چند وجهی حائز اهمیت است؟

موضوعات کلیدی که تحلیل گفتمان چند وجهی آشکار کرده، کدام‌اند؟

«چندوجهی بودن^۲» زمینه‌ای را که در آن کار نشانه‌شناسی انجام می‌شود، حوزه‌ای برای تحقیق، توصیف فضا و منابعی که به نحوی معنادار می‌شوند، نامگذاری می‌کند (جوویت، ۲۰۰۹). از دیدگاه نظریه‌ها و رویکردهای مختلف - رویکردهای روان‌شناسی^۳، مطالعات رسانه^۴،

1 arrangements

2 Multimodality

3 psychology

4 Media studies

تعلیم و تربیت^۱، مطالعات موزه‌ای^۲، باستان‌شناسی^۳، انواع جامعه‌شناسی‌های مختلف - سؤالات متفاوتی پدید می‌آیند که منجر به ابزارهای نظری^۴ و روشی^۵ متمایزی می‌شود که برای نیازهای هر کدام از آن موارد تدوین شده و سامان داده شده است. همان‌طور که گفته شد، رویکرد نظری ارائه شده در این جا یک نظریه معنایی و ارتباطی است، یعنی نشانه‌شناسی اجتماعی، بنابراین، مفاهیم توسعه یافته براساس آن نظریه شکل می‌گیرند.

چند وجهی بودن اظهار می‌کند که «زبان» تنها یکی از منابع متعدد برای معناسازی است. این بدان معناست که منابع وجوه موجود در یک فرهنگ باید به عنوان یک زمینه منسجم و یکپارچه - با وجود تمایز - از منابع برای معناسازی تلقی شوند. هدف از یک رویکرد چند وجهی، فراتر رفتن از رویکردهایی است که در آن‌ها به شکلی یکپارچه، اغلب به صورت متقابل، با یک نظریه و یک رشته خاص پیوند داشتند. در چنین رویکردهایی، به متن بر مبنای زبان‌شناسی، به تصویر بر اساس تاریخ هنر و غیره پرداخته می‌شد. در یک رویکرد چند وجهی، همه وجوه به عنوان یک زمینه^۶، به عنوان یک قلمرو^۷ صورت‌بندی شده‌اند. به طور مشترک، آن‌ها به عنوان یک منبع فرهنگی پیوسته، برای (نماینده‌گی به عنوان) معناسازی از سوی اعضای یک گروه اجتماعی در یک لحظه خاص تلقی می‌شوند. همگی به شکل بالقوه از نظر توانایی در معنابخشی به یک موجودیت پیچیده نشانه شناختی، یعنی یک متن، یکسان تلقی شده و هر یک از نظر پتانسیل مادی و شکل اجتماعی متمایز تلقی می‌شوند. بنابراین، باید با هر یک به عنوان [عنصری] لازم برای دسته‌بندی‌های توصیفی که از این تفاوت‌ها ناشی می‌شوند، برخورد کرد.

این بدان معناست که تحلیل گفتمان چند وجهی باید تمام وجوه مورد استفاده در هر متن یا موجودیت شبه متن^۸ را دربرگیرد، که هر کدام هم به لحاظ ویژگی‌ها و کارایی‌های خاص مادی و تاریخی و هم به لحاظ شرایطی که در همه وجوه مشترک است، توصیف شده باشد.

در عین حال که این به عنوان یک چالش عمیق برای دیدگاه‌های غالب در مورد موقعیت مکانی زبان مطرح است، اما به خودی خود بخشی از یک نظریه را تشکیل نمی‌دهد. بلکه حوزه‌ای را مطرح می‌کند که در آن یک نظریه - در این مورد، نشانه‌شناسی اجتماعی؛ در موارد

1 pedagogy

2 museum studies

3 archeology

4 theoretical

5 methodological

6 field

7 domain

8 text-like entity

دیگر، مثلاً روان‌شناسی یا انسان‌شناسی^۱ - کاربرد خود را پیدا می‌کند. چندوجهی بودن و نشانه‌شناسی اجتماعی، در کنار هم، می‌تواند سؤالاتی را پیرامون معنا و معناسازی مطرح کند؛ درباره مداخله سازندگان معنا، ساختار هویت در نشانه‌سازی و معناسازی؛ در مورد محدودیت‌های (اجتماعی) که در ایجاد معنا با آن‌ها روبرو هستند؛ پیرامون نشانه‌شناسی اجتماعی و دانش؛ در مورد اینکه چگونه «دانش» در حالت‌های مختلف، تولید شده و شکل می‌گیرد و از سوی چه کسی. چندوجهی بودن دربردارنده سؤالاتی در خصوص ظرفیت‌ها- و کارایی^۲ - منابعی است که برای ایجاد معنا در هر جامعه‌ای موجود است. و بنابراین، چگونه «دانش» در وجوه مختلف، متفاوت ظاهر می‌شود.

تحلیل گفتمان چند وجهی (و نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی) مسائلی را که به‌طور کلی به سایر شکل‌های تحلیل گفتمان مربوط می‌شود، عمق بخشیده و گسترش می‌دهد. در عین حال، موضوعاتی را آشکار کرده است که به‌طور معمول تصور می‌شد خارج از محدوده تحلیل گفتمان قرار می‌گیرند. در این مقاله، توجه خود را به چهار مورد از این موارد معطوف خواهیم کرد.

مسئله نخست، که در بالا ذکر شد، نقش اساسی زبان است. مسئله دوم، منطق و کارایی هر کدام از وجوه، با تأثیرات آن‌ها بر هستی‌شناسی^۳ و معرفت‌شناسی^۴ و از نظر بلاغت^۵، گزینش^۶ و طراحی^۷ است. سومین مسئله، حرکت در مسیری فراتر از مفهوم عمیق فراگیر معانی ضمنی است و چهارم، موضوع تشخیص و شناسایی است: شناختن کار نشانه‌شناختی، هم از نظر این‌که چه کسی چنین کاری را انجام می‌دهد - مسئله نمایندگی و وساطت - و هم از نظر این‌که با چه اسباب و وسایلی چنین کارهایی انجام می‌شود - مسئله وجوه - حائز اهمیت است.

تشخیص جانبداری^۸ زبان، مستلزم این است که همه وجوه یک مجموعه چندوجهی به-معنای کمک به آن گروه تلقی شود. زبان همواره حامل بخشی از معنای یک کل متنی/نشانه-شناختی است. این واقعیت، سبب می‌شود تا مفهوم «زبان» از دو جهت دچار مشکل شود: اول این‌که، در زمینه تحلیل گفتمان چندوجهی، زبان دیگر نمی‌تواند به‌عنوان ارائه‌کننده توضیح کاملی از معنا تلقی شود، بلکه تنها به‌عنوان یک مؤلفه جزئی تلقی می‌شود. در نتیجه، دیگر

1 anthropology
2 the affordances
3 ontology
4 epistemology
5 rhetoric
6 selection
7 design
8 partiality

ابزارهای معناساز در نظریه‌های معنایی باید به رسمیت شناخته شده و کاملاً مورد توجه قرار گیرند. دوم آن‌که، با توجه به مادیت کاملاً متمایز گفتار و نوشتار و شکل متفاوت آن‌ها در موقعیت‌های مختلف اجتماعی، برخورد با زبان به عنوان یک وجه^۱ بسیار مساله‌ساز می‌شود. به نظر می‌رسد در حال حاضر، ضروری است از دو شیوه زبانی گفتاری و نوشتاری صحبت کنیم و استفاده از اصطلاح «زبان» از واژگان نظری تحلیل گفتمان چندوجهی «کنار گذاشته» شود. بنابراین در تحلیل گفتمان چندوجهی، گفتار و نوشتار به عنوان وجوهی مختلف تلقی می‌شود؛ ظرفیت‌های معنایی آن‌ها و ارزش‌های گفتمانی (و ایدئولوژیکی) آن‌ها در این راه استفاده می‌شود و راه برای تحقیق و بررسی باز است. در حالی که دیدگاه اخیر تاثیرگذار بوده، معانی بیان شده در وجوه دیگر، در بهترین حالت می‌توانستند حاشیه‌ای تلقی شوند و یا نادیده گرفته شوند. در حالی که در تحلیل گفتمان چندوجهی، ما ملزم خواهیم بود تا به طور جدی همه وجوه را در نظر بگیریم.

مفاهیم «ضمنی» به طور جزئی با جانبداری زبان پیوند خورده است. اگر همه وجوه معنا داشته باشند، حتی اگر با هم متفاوت باشند، نمی‌توان چنین معانی را «ضمنی» تلقی کرد. از نظر تحلیل گفتمان چندوجهی، مفهومی مانند «ضمنی بودن» از نظر ایدئولوژیکی، یک مانع برای شفافیت تلقی شده و از جمله معانی حول قدرت است. در تحلیل گفتمان چندوجهی توجه معطوف به نقشی است که هر کدام از وجوه در تشکیل مفهوم یک متن دارند: این متفاوت بودن به دلیل ویژگی‌های مادی متفاوت آن‌ها و به دلیل هزینه‌های ناشی از آن است. در یک رویکرد چندوجهی، تمامی معانی، در هر وجهی در یک فرهنگ، معانی صریح محسوب می‌شوند - حتی با وجود اینکه ممکن است در هر لحظه امکان استفاده از واژگان محدودی برای توصیف آن‌ها وجود داشته باشد - یک مشکل برای ابزارهای نسخه‌های چاپی - چه در «محاورات عمومی» و چه از نظر تئوریک - همان‌گونه که در ادامه نشان خواهیم داد، استدلال‌ها و مباحث بسیار مهمی در تمامی این وجوه وجود دارد.

وجوه بر اساس ویژگی‌های مادی و هم‌چنین بر اساس شکل اجتماعی کارایی‌های اجتماعی - نشانه‌شناختی آن مواد (غالباً) در دوره‌های زمانی طولانی، متمایز هستند. گفتار و نوشتار هم بر اساس مادیت و هم بر اساس شکل اجتماعی متفاوت آن‌ها متفاوت هستند - متفاوت در جوامع مختلف - همانند نوشتار و تصویر که در همه موارد منجر به منابع فرهنگی - نشانه -

شناسی متمایزی می‌شوند. این واقعیت، منجر به یک نتیجه دیگر در سلسله استدلال‌ها در مورد مادیت^۱، کار اجتماعی - نشانه‌شناختی^۲ و وجه^۳ دارد. از نظر مادی، هیچ چیز گفتار و نوشتار را پیوند نمی‌دهد - صدا و کتیبه‌ها (نوشته‌ها) از نظر مادی متمایز هستند. در دوره‌های طولانی کار اجتماعی - نشانه‌شناختی، در برخی از جوامع - هرچند واضح است که در همه آن‌ها این-گونه نبوده است - پیوندهایی میان گفتار و (آن‌چه که تبدیل به) نوشته شده است، برقرار شد؛ به طوری که شکل‌های نمایش تصویر به وسیله‌ای برای بازنمایی (فقط جنبه‌های) گفتار تبدیل شده است - مانند خطوط الفبا^۴.

«به رسمیت شناختن» آثار نشانه‌شناختی، چه از نظر نمایندگی و چه از نظر وجه، در تحلیل گفتمان چندوجهی به موضوعی مهم تبدیل می‌شود. این موضوع منجر به پرداختن به دو سؤال ثابت می‌شود: آثار نشانه‌شناختی چه کسانی؟ و چه حالت‌هایی در آن کار وجود دارد؟ اولین مورد مربوط به شناخت نمایندگی است. مورد دوم تشخیص نحوه انجام کار است. در شرایط نهادی که تفاوت قدرت مشخص است، کار انجام شده در حالت غیر قابل تشخیص به راحتی نادیده گرفته می‌شود. مدرسه یک مثال پارادایمی است، اما نمونه‌هایی از کاربردهای اداری از زبان نیز همین‌طور است.

در دو مثال نخست - با کمک دو [تابلوی] علامت که رانندگان را راهنمایی می‌کند که چگونه وارد پارکینگ دو سوپر مارکت شوند - این چهار موضوع را مورد توجه قرار خواهیم داد. علائم در محدوده چهار متری در دو ساختمان و در هر طرف جاده اصلی شهری یک علامت و درست قبل از یک تقاطع بزرگ و پیچیده واقع شده‌اند. علائم عادی بوده و جلب توجه نمی‌کنند؛ از تصویر این تابلوها برای اشاره به نکاتی در مورد چند وجهی بودن و تحلیل گفتمان چند وجهی استفاده خواهیم کرد (شکل‌های شماره ۱ و ۲).

1 materiality

2 social-semiotic work

3 mode

4 alphabetic scripts



شکل شماره ۱. پارکینگ خودروی موریسون.



شکل شماره ۲. پارکینگ خودروی ویتروز.

اگرچه «فرهنگ لغات»^۱ علائم بصری وجود دارد، آن‌ها کاملاً متفاوت با علائم مربوط به زبان بوده و معمولاً به عنوان فهرست موجودیت‌های بصری کاملاً انتزاعی یعنی «نمادها»^۲ هستند. هیچ فرهنگ لغتی برای جستجوی چیزی مانند «دستورالعمل‌های مربوط به پارکینگ خودروها» وجود ندارد که بتوان از آن‌ها چنین نشانه‌هایی را فراگرفت. این نشانه‌ها، مانند اکثریت قریب به اتفاق علائم بصری - یعنی تصاویر - از منابع کیفی فرهنگی به آسانی در دسترس و دارای شکل اجتماعی «تازه ساخته شده‌ای»^۳ هستند: در این‌جا طرح‌بندی^۱، رنگ^۲،

1 dictionaries

2 icons

3 newly made

نوشتار^۳، تصویر، فونت^۴. هر یک از علائم از این پنج حالت استفاده‌ای مختص به خود می‌کند تا مجموعه‌ای از حالت‌ها را برای شکل دادن به معنای مورد نظر ایجاد کند. هر حالت بخش مخصوص به خود را بازی می‌کند: نوشتن گویا^۵، نمایش تصاویر^۶، قاب‌های رنگی^۷ و هایلایت‌ها^۸؛ طرح‌بندی و فونت تا حدی به دلیل الگوهای ترکیبی و همانند سایر حالت‌ها، همواره به دلایل مربوط به «سلیقه» مورد استفاده قرار می‌گیرند. نوشتن آن‌چه که تصویر نشان می‌دهد فضای زیادی را اشغال می‌کند و خواندن آن برای رانندگان، که در این تقاطع شلوغ، نیاز به تمرکز بر ترافیک نیز دارند، زمان زیادی می‌گیرد.

به طور کلی، معنی و مفهوم هر کدام از این دو علامت چیست؟ این معنا چگونه تشکیل شده است؟ آیا معنای یک علامت با معنای نشانه دیگر متفاوت است و اگر چنین است، از چه لحاظ؟ این دو علامت چگونه به عنوان پیام عمل می‌کنند؟ چه کسی را و چگونه او را خطاب قرار می‌دهند؟

این دو علامت، از عناصر ترکیبی یکسانی استفاده می‌کنند و از عناصر در الگوهایی مشابه استفاده می‌کنند. با این وجود، آن‌ها همچنان متفاوت هستند: در نحوه استفاده از فونت – چرا که حروف بزرگ به تنهایی در یکی از علامت‌ها دیده می‌شود و حروف بزرگ و کوچک در دیگری مورد استفاده قرار گرفته است. در نوع فونت؛ در سبک طراحی؛ در رنگ نیز تفاوت به چشم می‌خورد. مقوله سبک، در این جا برای به دست آوردن روایتی قابل قبول از این تفاوت مفید است: سبک به عنوان تأثیر مجموع انتخاب‌های صورت گرفته (کرس و ایرس، ۱۹۸۲): انتخاب پالت رنگ، رنگ‌های تک و اشباع رنگ‌ها؛ نوع فونت؛ سبک طراحی و چیدمان از جمله این موارد هستند. نقاط انتخاب بر اساس به کارگیری نشانه‌شناسی، به ترجیحات اشاره می‌کند: این رنگ بیشتر از دیگر رنگ‌ها و این فونت برای اهداف طراح در این جا بهتر از سایرین است. هر یک از دال‌ها^۹ در هر یک از حالت‌ها (رنگ، فونت، اندازه حروف، ترسیمات) نشان دهنده تصمیم‌گیری در مورد مطابقت مناسب برای «انتقال منظور» با «آن‌چه می‌تواند به بهترین وجه

1 layout

2 colour

3 writing

4 font

5 writing tells

6 image shows

7 colour frames

8 highlights

9 signifier

این معنا را بیان کند» بوده است. خطوط ضخیم و دُرشت علامتی با معنای «هیچ خرید بی-ارزشی وجود نخواهد داشت»، و خریدارانی با «دید واقع‌بینانه»، که به «ارزش پول» اهمیت می‌دهند، حکایت دارد؛ خطوط باریک‌تر علامتِ دیگر به معنای «ما هستیم و می‌دانیم که شما علاقه‌مند به ریزه‌کاری، در طعم و در لمس ظرافت‌ها» هستید. و همین‌طور با تمام نشانه‌هایی که دو مجموعه چند وجهی را تشکیل می‌دهند.

سازندگان هر علامت، با استفاده از امکانات مناسب در هر وجه، آگاهی ویژه و منحصر بفردی را در مورد این موضوع ایجاد کرده‌اند. ممکن است در مورد طراحی سوال کنیم: این متن چگونه طراحی شده است؟ و درباره تفسیر بپرسیم: این متن در این‌جا برای هر کسی که با آن سر و کار دارد چگونه عمل می‌کند؟ همه «خوانندگان» این متن، هرکدام به نوبه خود، در تفسیر خود، نشانه جدید [مختص به] خود را برای خود ایجاد کرده و از همه حالت‌های این اثر کلی، بهره‌برداری می‌کنند. در نوشتار و تصویر - با نگاهی ایده‌گرا (خیالی)^۱ - به نظر می‌رسد علائم برای پاسخ به این سوال طراحی شده‌اند: چگونه می‌توانم وارد پارکینگ این سوپرمارکت شوم؟ در فونت، رنگ، تصویر - بسته به هر فرد - به نظر می‌رسد علائم برای پاسخ به سؤال دیگری طراحی شده‌اند: این‌که من ترجیح می‌دهم به کدام یک از این سوپرمارکت‌ها بروم؟ اگر تفسیر راننده/خواننده در پاسخ به این سؤال (کرس، ۲۰۱۰) نادرست و گمراه‌کننده باشد، او خود را با ناراحتی در سوپر مارکتی می‌بیند که با احساس آن درباره این‌که این سوپرمارکت چیست یا این‌که [فروشنندگان و صاحبان مغازه] چگونه افرادی هستند، مطابقت ندارد.

به عبارت دیگر، معانی نشانه‌ها از دو نگاه، در مورد «جهت‌ها» هستند: در مورد جهت «جغرافیایی»^۲ در نحوه نوشته شدن متون و تصاویر، و در مورد «جهت‌های اجتماعی»^۳ در مورد حالت‌های فونت، رنگ، تصویر: درباره «جایی» که شما از نظر سلیقه فردی و وابستگی اجتماعی خودتان متعلق به آن‌جا هستید. در کنار دستورالعمل‌های عملی - در خصوص این‌که «چگونه می‌توانید وارد پارکینگ شوید» - علائم، حامل معانی هویتی نیز هستند: درباره «برند» فروشگاه و آن‌چه که این برند قصد نشان دادن آن را دارد. آن‌ها تصویری از مشتریان فرضی خود ارائه می‌دهند - «این کسی است که شما هستید، [بنابراین]، این مکان برای شما است.» «جهت-هایی» به سوی سبک زندگی، هویت، سلیقه و میل، به «مکان اجتماعی» که در آن «من»

1 ideationally

2 Geographical directions

3 social directions

احساس می‌کنم که در خانه خودم هستم، در این دو تابلو، بیان می‌شود. کارایی هر کدام از وجوه بسیار فراتر از عملکرد خیالی آن‌ها است.

اگر بخواهیم فقط برای لحظاتی، به مفاهیم «صریح» و «ضمنی» بازگردیم، این تصور غلط که گفتار یا نوشتار اطلاعات صریح را ارائه می‌دهد و وجوه دیگر «چیزها را ضمنی باقی می‌گذارند»، می‌تواند برای دستیابی به اهداف ایدئولوژیک استفاده شود. به جای نوشتن یا گفتن (آنچه که در حال حاضر حداقل غیرقابل توصیف بوده یا نوشتن آن غیرممکن است) «در این-جا در این فروشگاه ما تمایل بیشتری به داشتن دسته‌ای از مشتریان باهوش‌تر و در طبقه متوسط داریم» یا «ما تمایل بیشتری به دسته‌ای از مشتریانی داریم که سلیقه‌ای درشت داشته و یا برای افرادی که اهمیتی قائل نیستند، یعنی طبقات پایین»، این پیام‌ها به صراحت داده می‌شوند، اما در حالاتی قرار می‌گیرند که در حال حاضر کمتر تحت توجه اجتماعی^۱ قرار دارند. این تضمین می‌کند که به چالش کشیدن قدرت انواع خاص، بسیار دشوارتر است.

چنین معانی و مفاهیمی به وضوح در حوزه گفتمان قرار دارد. پیش پا افتاده بودن این دو متن، مانع از اثر شکل‌دهنده گفتمان نخواهد بود: گفتمان‌هایی پیرامون سلیقه، هویت، موقعیت در زندگی؛ و آن گفتمان‌ها علائم را شکل داده‌اند. تعدد و کثرت منابع وابسته به وجوه گوناگون، برای درک معانی درون متن، مستلزم انتخاب منابع نشانه‌شناختی مناسب برای این کار است: یعنی «انتخاب» منابع وجه، ژانر و سایر شکل‌های سازماندهی متن و الگوهای متنی.

انتخاب^۲ منجر به گزینش^۳ [انتخابی که با دقت بیشتر انفاق می‌افتند] می‌شود و هر دوی آن‌ها مستلزم به رسمیت شناختن طراحی به عنوان بخشی از مجموعه‌ای از ابزارهای نظری، به عنوان وسیله‌ای برای پاسخگویی به سؤالاتی از قبیل: در این‌جا کدام حالت مناسب است؟ خواهد بود. این‌ها سؤالات مرتبط با طراحی هستند که خود از رویکردها و گرایش‌های بلاغی^۴ به ارتباطات ناشی می‌شوند. طراحی، عملکردی مقدم بر بلاغت را به عهده می‌گیرد. وظیفه بلاغت، در واقع شامل ارزیابی و توصیف جنبه‌های برجسته محیط ارتباطاتی است. سؤالات مرتبط با متکلم، به دنبال ایجاد شرایطی برای برقراری ارتباط است: این‌ها شرکت‌کنندگان چه کسانی هستند و ویژگی‌های آن‌ها چیست-برای مثال، آیا آن‌ها کودکان ۷ ساله مدرسه‌ای هستند یا بزرگسالان شرکت‌کننده در یک مبحث عمومی؟ روابط قدرت آن‌ها چگونه است؟

1 social policing

2 Choice

3 selection

4 rhetorical disposition

الزامات نشانه‌شناختی در خصوص موضوع ارتباطی کدام‌اند؟ - به عنوان مثال، آیا بهتر است پیچیدگی مفصل آرنج را در نمودار نشان دهیم، یا آن را به عنوان یک مدل سه‌بعدی نشان دهیم، یا آن را به صورت نوشتاری توصیف کنیم، یا آن را با حرکات و اشاراتی نمایش دهیم و با گفتار و ایراد سخنرانی از آن‌ها پشتیبانی شود؟ و مقصود و اهداف سخنران در برقراری ارتباط وجود دارد. عاملیت متکلم، اقدامات طراح را شکل می‌دهد، و عاملیت طراح نیز به نوبه خود تحقق یافتن مقصود متکلم را شکل خواهد داد. در این ادراک، بلاغت^۱ سیاست‌ورزی ارتباط است، سبک^۲، سیاست‌ورزی انتخاب است؛ زیبایی‌شناسی^۳، سیاست‌ورزی سبک است؛ و اخلاق، سیاست‌ورزی ارزش‌گذاری^۴ است.

در یک محیط چند وجهی، امکان انتخاب و گزینش بسیار فراتر از آن‌هایی است که در یک حالت تک وجهی^۵ (واحد) وجود دارد. مثال دوم نشان می‌دهد که چگونه موضع‌گیری در مورد شناسایی که به طور اجمالی ارائه شد - از کار نشانه‌شناسی، نمایندگی و انواع شیوه‌های تصریح - تصور و برداشت متفاوتی از «خوانش^۶»، «دریافت^۷» و به طور کلی، ارتباط^۸ را ممکن می‌سازد. یک مثال از پروژه‌ای تحقیقاتی در مورد مطالعات بازدیدکنندگان از موزه، «موزه^۹، نمایشگاه^{۱۰} و بازدیدکننده^{۱۱}»، که از سوی بنیاد ملی علوم سوئد^{۱۲} تأمین مالی شده و در موزه تاریخ ملی^{۱۳} انجام پذیرفته است، ارائه می‌شود؛ [این پژوهش] در نمایشگاه ماقبل تاریخ سوئد؛ در موزه شرق آسیا در استکهلم؛ و در موزه لندن، در دو نمایشگاه: «لندن پیش از لندن^{۱۴}» و «لندن رومی^{۱۵}» انجام شد.

در این پروژه، یکی از اهداف این بود که مشخص شود بازدیدکنندگان چگونه از یک نمایشگاه خاص «معنا» دریافت می‌کنند. از بازدیدکنندگان دعوت شد تا به عنوان زوج

1 rhetoric

2 style

3 aesthetics

4 evaluation

5 monomodal

6 reading

7 reception

8 communication

9 The museum

10 the exhibition

11 the visitor

12 the Swedish National Science Foundation

13 the National History Museum

14 London before London

15 Roman London

(پدر بزرگ و یا مادر بزرگ به همراه نوه، دوستان، زوج‌های متأهل) شرکت کنند، تا حس تعامل آن‌ها با نمایشگاه، حداقل تا حدی ثبت و ضبط شود. به شرکت‌کنندگان ضبط صوت‌های پوشیدنی^۱ داده شد [برای این‌که در طول بازدید از نمایشگاه، مانع از تحرک و دید آن‌ها نشود]. به آن‌ها یک دوربین داده شد تا تصویر دلخواه خود را بگیرند؛ در حین بازدید از نمایشگاه از آن‌ها فیلم‌برداری شد. در پایان بازدید، از آن‌ها خواسته شد «نقشه‌ای ترسیم کنند» که نمایش دهنده حس آن‌ها از این نمایشگاه بود، و از آن‌ها خواسته شد تا در مصاحبه‌ای مختصر در مورد این بازدید، که بر اساس «نقشه» خود آن‌ها تنظیم شده بود، شرکت کنند. تمامی این‌ها - فیلم، عکس، صداهای ضبط شده، مصاحبه‌ها و «نقشه» - به عنوان وسیله‌ای برای مستندسازی احساس بازدیدکنندگان از نمایشگاه و به عنوان «نشانه‌های یادگیری» در نظر گرفته شد.

موزه‌ها معمولاً علاقه‌مندند بدانند که بازدیدکنندگان از بازدیدهای خود چه «برداشتی» دارند. آن‌ها معمولاً نمی‌توانند بر بازدیدکنندگان خود آن قدرتی را اعمال کنند که مدارس (سعی می‌کنند) بر دانش‌آموزان خود اعمال کنند، چه در ارتباط و چه در یادگیری. بنابراین، «ارزیابی و تشخیص^۲» درک بازدیدکنندگان، بر اساس اصل تفسیر، به عنوان روش مرجح مشخص می‌شود (کرس، ۲۰۱۰). در این‌جا، دو نقشه که توسط یکی از اعضای «زوج» شرکت‌کننده، که هم از موزه لندن و هم از نمایشگاه «لندن پیش از لندن» بازدید کرده‌اند تهیه شده، ارائه می‌شود.

سرپرستان موزه^۳ (به عنوان طراحان) نمایشگاه، اهداف^۴ و راهبردهای^۵ خاصی دارند - اجتماعی، زیبایی‌شناختی یا آموزشی، ایدئولوژیک. این موارد به ندرت در نمایشگاه آشکارا بیان می‌شود، اگرچه در مصاحبه با سرپرستان یا تیم‌های سرپرستی مشخص بود که بحث‌های زیادی پیرامون اهداف و مقاصد پیش از ساختن نمایشگاه شکل می‌گیرد - مباحثی که در چهارچوب منافع موزه‌داران، سیاست‌های موزه و دولت‌ها تنظیم شده‌است. معمولاً با توجه به عدم بیان آشکار چنین علل و عواملی، هم‌چنین، نیاز به پیوند دادن این‌گونه اسباب و دلایل با فضاها و با ویژگی‌های نمایشگاه، تحلیل گفتمان چندوجهی یک ابزار ایده‌آل به شمار می‌رود برای به دست آوردن یک ادراک - به عنوان یک فرضیه - از این‌که انتقال کدام مفاهیم و معانی از سوی

1 wearable voice-recorders

2 assessment

3 Curators

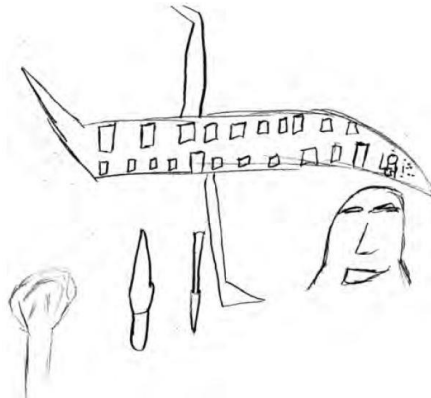
4 aims

5 purposes

متصدیان/طراحان مدّ نظر قرار داشته و این که برداشت هر کدام از بازدیدکنندگان، به نوبه خود، از نمایشگاه چه بوده و چه مفاهیمی را [در ذهن خودشان] ساخته‌اند.

از نظر نشانه‌شناختی، یک نمایشگاه، یک متن/پیام چند وجهی و پیچیده است. این نمایشگاه، مجموعه پیچیده‌ای از نشانه‌ها را برای بازدیدکنندگانی که با آن درگیر می‌شوند، ارائه می‌کند و بازدیدکنندگان از طریق این علائم و نشانه‌ها، مجموعه‌ای بی‌نهایت از انگیزه^۱ برای تفسیر را برای خود ایجاد می‌کنند. در این زمینه، «نقشه»هایی که توسط بازدیدکنندگان در پایان بازدید خود ساخته شده، می‌توانند نشان دهند که کدام جنبه از آن طرح/پیام کلی، توجه بازدیدکننده را جلب کرده است و چگونه این اتفاق افتاده است. هیچ یک از نشانه‌ها، به تنهایی یا با هم، به هیچ وجه شرح کاملی از معانی ساخته شده [یا ادراک شده] از سوی هر یک از بازدیدکنندگان را ارائه نمی‌دهد؛ و این واقعیت در مورد این دو بازدیدکننده (یک زن ۱۸ ساله و یک پسر ۱۱ ساله) صدق می‌کند، اما مطمئناً آن‌ها تفاوت واضحی را در علاقه‌مندی‌هایشان نشان می‌دهند. بلافاصله، این دو نمونه، یک حس خاص - و شاید غیر معمول - را نشان می‌دهند: این که «نقشه» چیست یا قرار است چه کاری انجام دهد، همراه با مفاهیم خاصی از [عبارت] «نقشه برداری» و آن چه که باید نقشه برداری شود. در هر دو مورد، ادراک از «نقشه»، «مفهومی»^۲ بوده است - و نه «فضایی»^۳ - . نشانه‌ها، علایق و تفسیر سازندگان‌شان را آشکار می‌سازند؛ از این نظر، نقشه‌های تعیین شده به صورت فرضی به یک پرسش ضمنی می‌پردازند: آن علایق چه بوده است؟ در مورد شکل شماره ۳، ظاهراً این سؤال مطرح بوده است: از نظر من، عناصر برجسته این نمایشگاه چه بوده و این که باید آن‌ها را با چه الگو و ترتیبی ارائه کنم؟ در شکل شماره ۴، به نظر می‌رسد، احساس ترسیم کننده نقشه این است: زندگی آن‌ها به این شکل بوده است. هر دو، تفسیری از نمایشگاه و با نگاهی کلی برای این بازدیدکنندگان بوده است؛ نقشه‌ها، (جنبه‌ای) از دانش ساخته شده و آموخته‌های آن‌ها را نشان می‌دهند.

1 promptings
2 conceptual
3 spatial



شکل شماره ۳. نقشه نمایشگاه موزه (هیترو).



شکل شماره ۴. نقشه نمایشگاه موزه (نمایش یکپارچه).

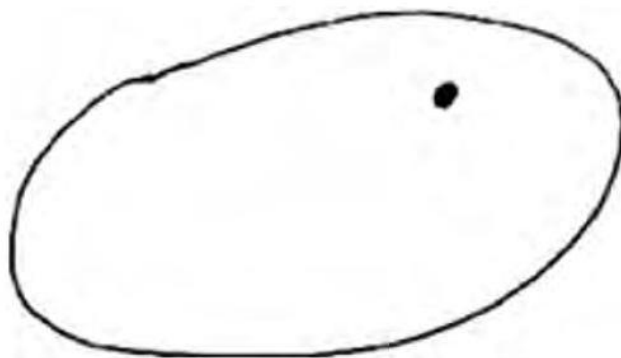
اگر «علاقه»، انتخاب، توجه، چارچوب‌بندی و تفسیری را هدایت می‌کند، بنابراین، نیازمند پرسش درخصوص آن «علاقه» هستیم: این که چه کسانی نقشه را ترسیم کرده‌اند، علایق آن‌ها چگونه شکل گرفته است؛ این که کدام اصول گزینش^۱ و توجه^۲، در این نقشه‌ها آشکار به نظر می‌رسد؟ به عنوان یک گزارش مختصر، برای درک این دو نشانه-نقشه^۳، این اطلاعات می‌تواند به شما کمک کند، این که بدانید که «نقشه» شکل شماره ۴ توسط یکی از دو زن ۱۸ ساله آلمانی تهیه شده است که برای دریافت شناخت بهتری از [کشور] انگلستان، یک هفته را در

1 selection
2 attention
3 signs-maps

لندن اقامت کرده است. نقشه دیگر توسط یک پسر ۱۱ ساله اهل لندن ترسیم شده بود - که با اِکراه و بی میلی - با مادرش برای «روز فعالیت [گردش علمی]» (که اتفاق نیفتاد) به موزه آمده بود. توجه او به یک ماکت هواپیما جلب شده بود که به عنوان مدل در نمایشگاهی که نمایش دهنده یک اردوگاه عصر حجری که در محل فرودگاه فعلی شهر هیترو کشف شده بود، قرار گرفته بود و هم‌چنین یک ماسک آفریقایی و برخی ابزار و سلاح‌ها، برای او جالب توجه بوده‌اند. پرسش‌های بلاغت و طراحی در استفاده از وجوه به مفاهیم اولیه نمایشگاه و از آن‌جا به شکل کلی نمایشگاه می‌رسد: این امر در انتخاب اشیاء و تأکید بر موضوعات خاص و شیوه‌های انتخاب شده در نمایش معانی خاص مشهود است - به عنوان مثال در چیدمان نمایشگاه، در نورپردازی آن، در استفاده از متن نوشتاری یا تصویر یا اشیاء سه بعدی. این‌که آیا اشیاء سه بعدی برجسته‌تر، «جذاب‌تر» و قابل توجه‌تر از متن‌های نوشته شده در کنار اشیاء هستند؟ آیا حرکت دادن به اشیاء به عنوان وسیله‌ای برای توضیح بیشتر، از ارائه متن‌ها و گزارش‌های طولانی برجسته‌تر است؟ آیا چشم‌اندازهای نقاشی شده جذاب‌تر از تابلوهای سه بعدی هستند؟ نور چه تاثیری در ایجاد تأثیر و حالت‌های گوناگون دارد؟ آیا فاصله از اشیاء به اندازه‌ای هست که بازدیدکنندگان بتوانند با اشیاء درگیر شوند؟ آیا اگر بتوانند یک شیء را لمس کنند، مساله مهمی است؟ در مورد نمایشگاه باید به موضوع تأثیرگذاری پرداخته شود: تأثیرگذاری «اشتباه» مانع توجه بازدیدکنندگان شده یا از آن می‌کاهد. اما تأثیرگذاری در همه مکان‌های آموزشی، چه نهادی باشند چه نباشند، به یک اندازه قابل توجه است. [این موضوع] در کنار تمامی منابع وجه، گفتمان، قدرت، و شکل‌های دانش، دائماً مورد بحث است.

در همه این‌ها، یک مسئله اساسی دیگر نیز وجود دارد. این‌که امکانات، بضاعت و منطق هر کدام از وجوه و آثار آن‌ها، از نظر ارتباطی، در بلاغت، انتخاب و طراحی و از نظر شکل‌گیری متفاوت آگاهی در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی چگونه خواهد بود.

در این‌جا یک مثال ساده، در مورد دانش و وجه، از کلاس درس علوم برای کودکان ۱۳-۱۴ ساله ارائه شده است. در درس چهارم، در خصوص سلول‌ها، معلم از بچه‌ها می‌پرسد: «در مورد یک سلول گیاهی چه می‌توانید به من بگویید؟» در جواب، کودکی می‌گوید: «خانم، یک سلول، هسته دارد.» معلم از او می‌خواهد که جلو بیاید و آن‌چه را که گفته است روی تخته بکشد. او یک قلم بر می‌دارد و چیزی مانند شکل شماره ۵ را ترسیم می‌کند.



شکل شماره ۵. سلول با هسته.

در ترسیم تصویر، دختر جوان با سؤالاتی (ضمنی) روبرو می‌شود، که در اظهار نظر گفتاری خود با آن‌ها روبرو نشده بود. او باید تصمیم می‌گرفت که شکل سلول (دیواره سلول) چگونه است. هسته بایستی چگونه به نظر برسد؛ سلول چقدر باید بزرگ باشد؛ دایره‌ای باشد یا نقطه-ای؛ و نهایتاً او باید تصمیم بگیرد که در کدام قسمت از دایره باید هسته را قرار دهد. نتایج تصمیماتی که او گرفته است در ترسیمی همانند شکل شماره ۵ قابل مشاهده است. با کشیدن شکل دایره‌ای و قرار دادن نقطه یا دایره، سازنده این نشانه، الزام معرفتی^۱ خود را به انجام رسانیده است: این همان چیزی است که وجود دارد، و این رابطه میان وجودهایی مثل «سلول (دیواره سلولی)» و «هسته» است. دانش‌آموزی که به ترسیم معلم روی تخته، یا نقاشی موجود در کتاب درسی خودش نگاه می‌کند، حق دارد آن را «واقعیت امر^۲» بداند.

در هر کدام از وجوه که باشد، نمی‌توان از تعهد معرفت‌شناختی^۳ اجتناب کرد: نوعی از شکل باید برای نشان دادن دیواره سلولی و خود سلول ترسیم شود؛ یک نقطه یا یک دایره با هر اندازه‌ای باید برای نمایش هسته ساخته شود؛ و نقطه یا دایره باید در جایی قرار داده شود. با این حال، در گفتار نیز یک تعهد معرفت‌شناختی وجود دارد: این که دو چیز شبه‌شیء وجود دارد، یک «سلول» و یک «هسته»، که در یک رابطه تملکی - [یعنی سلول، «دارای» هسته است]، به هم پیوسته‌اند؛ در حالی که به اصطلاح «زمان حال جهانی» «دارا بودن» واقعیت

1 epistemological commitment

2 the facts of the matter

3 epistemological commitment

داشتن آن را تضمین می‌کند: یعنی نشان می‌دهد که همواره این‌گونه است. این نقاشی هیچ‌گونه پیشنهاد مالکیت یا حقیقتی جاودانه را ارائه نمی‌کند. در نقاشی، رابطه یکی از موقعیت‌های مکانی از نوعی خاص خواهد بود: نزدیک یا دور، مرکزی یا حاشیه‌ای. نمی‌توان از تعهد معرفت-شناختی اجتناب کرد، مهم نیست که کدام حالت باشد. این متناسب با بضاعت هر وجه متفاوت است: در این‌جا در تضاد گفتار و تصویر - واژه‌شناسی^۱ در مقابل تصویرسازی^۲؛ تملک^۳ در مقابل قرابت^۴ یا فاصله، مرکزیت داشتن یا حاشیه‌ای بودن؛ به عنوان فعل^۵ در مقابل موقعیت مکانی فضایی^۶؛ توالی (به عنوان جانشینی زمانی در گفتار یا خط در نوشتن) در مقابل همزمان بودن (ظاهر و ترتیب) موجودیت‌ها.

هر دوی این نشانه‌ها به تازگی ساخته شده بودند. هم نقاشی و هم گفتار و نطق‌ها بر مبنای سلیقه دانش‌آموز است - که به عنوان مثال در انتخاب «هسته» به عنوان مشخصه‌ای چشمگیر و برجسته [برای ترسیم سلول گیاهی] نمود پیدا کرده است. هم اظهارات گفتاری و هم ترسیم نقاشی، نمایانگر انتخاب این دانش‌آموز از انواع متنوعی از مطالب درسی است که در طول چهار درس با آن‌ها روبه‌رو بوده است. هر دو نشانه، نشان دهنده‌گزینه‌ش، تغییر/تفسیر و متمرکز و محصور کردن^۷ دانش‌آموز در آن لحظه است. در ایجاد نشانه‌ها، او در حال ایجاد دانش برای خود و دیگران است. هر دو نشان می‌دهد: «این چیزی است که من می‌دانم».

این دو بازنمایی، «دانش» (تحصیلی) را در مورد این موضوع به شکل‌های متفاوتی تحقق می‌بخشد: از دیدگاه هستی‌شناسانه، این دو بازنمایی، روایت‌های متفاوتی از جهان در کانون توجه هستند. برای یادگیری و آموزش، در ساخت و ارائه برنامه درسی برای گروهی خاصی، این مهم است. تا زمانی که «دانش» در یک حالت خاص «مادی» نشود، هیچ‌گونه «شکلی» ندارد: و ما نخواهیم توانست «به آن دست پیدا کنیم». برای ما اصلاً روشن نیست که دانش قبل از آن‌که در شکلی نمایشی و به عنوان ماده به کار گرفته شود، دقیقاً چیست. در گفتار، دانش در وجهی نشان داده می‌شود که بر اساس منطق اصولی^۸ توالی عناصر^۹ در زمان شکل گرفته است. و در

1 lexis

2 depiction

3 possession

4 proximity

5 verb-form

6 spatial co-location

7 encapsulation

8 underlying logic

9 sequence of elements

تصویر، با منطق هم‌زمانی عناصر [یا اصطلاحاً همبودی عناصر] در فضا شکل می‌گیرد. هر کدام از این منطق‌ها، با شکل اجتماعی هر یک در دوره‌های طولانی تاریخی از کار اجتماعی و نشانه-شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مختصّ به خود را بر آن چه از طریق سازماندهی عناصر در نظامات و الگوها نشان داده می‌شود، تحمیل می‌کنند.

ایجاد نشانه یعنی ایجاد دانش. دانش، در طول استفاده از طریق یک نماینده اجتماعی از امکانات نمایشی متمایز از وجوه خاص و در زمان ایجاد نشانه، شکل می‌گیرد. دانش‌آموزی دیگر، ممکن است «سیتوپلاسم»^۱ را مهم‌ترین در نظر گرفته باشد یا بر عملکرد غشای سلولی تمرکز کرده باشد؛ و در هر مورد، آن‌ها می‌توانستند آن چه را که می‌خواستند اظهار کنند، بنویسند یا ترسیم کنند یا به شکل سه بعدی نشان دهند (کرس و همکاران، ۲۰۰۱).

تحلیل گفتمان چند وجهی در مورد یادگیری و زندگی اجتماعی چه چیزی می‌تواند به ما بگوید؟

وجوه، نتیجه شکل‌دهی اجتماعی هستند و آثار انتخاب دائمی را در بسیاری از محیط‌ها نشان می‌دهند. چرا این موجودیت‌ها انتخاب شده‌اند و دیگران انتخاب نشده‌اند؟ و چرا این جنبه‌های مواد مورد تأکید قرار گرفته است و موارد دیگر نادیده گرفته شده است؟ این‌ها ردپاهایی از کاری است که در پاسخ به نگرانی‌های اجتماعی، تمرکز، علاقه، نیاز و غیره انجام شده است. این موضوعات می‌توانند اطلاعات زیادی در مورد تاریخچه گروه‌هایی که از هر کدام از وجوه استفاده می‌کنند برای ما بیان کنند. هم‌چنین، می‌تواند به ما بگوید که چرا دو فرهنگ می‌توانند در یک وجه، مشترک باشند و در عین حال، از لحاظ معنایی از آن وجه به شکلی کاملاً متفاوت استفاده کنند. این بدان معنی است که «دست‌یافتن»^۲ به یک وجه، در جوامع مختلف و فرهنگ‌های آن‌ها یکسان نیست. به عنوان یک مثال ساده و در عین حال آشکار، می‌دانیم که همه جوامع از حالت ژست (اشاره، حالت بدن)^۳ استفاده می‌کنند؛ با این حال، نحوه استفاده از آن حالت‌ها بین مثلاً اجتماعاتی که دارای اختلالات گفتاری هستند و یا افرادی که از این طریق تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند، بسیار متفاوت است.

پافشاری بر این که وجوه زبان‌شناسانه^۴ گفتار و نوشتار - مانند همه وجوه - وسیله‌ای جزئی برای ایجاد معناست سبب می‌شود تا توجه بیشتری به نقش معناساز سایر وجوه معطوف شود.

1 cytoplasm
2 reach
3 gesture
4 linguistic

با این کار، نه تنها ظرفیت، بلکه ضرورت به رسمیت شناختن مفاهیمی که توسط کسانی که به هر دلیلی از نوشتن - و شاید حتی گفتار - کمتر از سایرین استفاده می‌کنند، مشخص می‌شود، کسانی که ممکن است در همه قلمروهای زندگی اجتماعی، شخصی و حرفه‌ای بسیار «ماهر^۱» باشند. چنین تأکیداتی ما را مجبور می‌کند تا از پایین به بالا در مفهوم «ضمنی بودن^۲» و در کنار آن، مفهوم «دانش» و مصادیق^۳ بسیار متفاوت آن تجدید نظر کنیم. به طور خلاصه، این واقعیت، چشم‌اندازی را در مورد یک حس بسیار کامل‌تر از معنا^۴ و شناخت^۵ باز می‌کند.

معانی و مفاهیم زندگی اجتماعی و حرفه‌ای - برای یک بازیکن اسنوکر یا یک پزشک جراح، برای یک کودک در حال بازی در یک گودال شنی یا یک آشپز تازه‌کار در خانه که غذایی را که در تعطیلات با آن روبه‌رو شده بود را آماده می‌کند - اکنون در همه جا ظاهر می‌شوند و همه آماده ارائه توصیفات و بیان علت‌هاست. در اصل، این امر پنجره‌ای را برای یک دید وسیع و سخاوتمندانه از معانی و مفاهیم همه اعضای یک گروه اجتماعی، بدون وجود چشم‌انداز محدودکننده چشم‌اندازهای زبان‌شناسانه^۶، باز می‌کند. به رسمیت شناختن کار نشانه‌شناختی - به عنوان عاملیت و در همه وجوه - دارای همان اثر بالقوه رهایی‌بخش است. ظرفیت‌های آن برای بازاندیشی در شکل‌های سنجش و ارزیابی^۷ در تمامی قلمروها و به ویژه در مدارس، کاملاً استفاده نشده و بسیار نوید بخش است. جایگاه اصلی که در تحلیل گفتمان چندوجهی، به مادیت اختصاص داده شده - حتی اگر در معرض کار دائمی اجتماعی و نشانه‌شناختی باشد - باقی می‌ماند: تحلیل گفتمان چندوجهی، امکان تحرک در مقابل تقلیل^۸ تعمیم^۹ و انتزاع^{۱۰} قرن بیستمی (به عنوان مثال در بسیاری از [فعالیت‌های] زبان‌شناسانه)، و به سوی یک گزارش کامل - با همراهی و تأیید نظریه‌ها^{۱۱} و نظامات^{۱۲} دیگر - از این واقعیت که ما به عنوان انسان، دارای بدن فیزیکی و مادی هستیم و این که معنا را نمی‌توان خارج از به رسمیت شناختن این موجودیت [مادیت] درک کرد، را فراهم می‌کند.

- 1 articulate
- 2 implicitness
- 3 materializations
- 4 meaning
- 5 knowing
- 6 linguistic
- 7 assessment
- 8 reductiveness
- 9 generalization
- 10 abstraction
- 11 theories
- 12 disciplines

در یک سطح، این چیزی بیشتر از آن چیزی نیست که بسیاری از ما «در بدن خود» می-دانیم: به عنوان مثال، هنگام تغییر از یک زبان به زبان دیگر، ساختمان عضلانی بدن ما، ماهیچه‌های سینه و سر به طور خاص، پیکربندی‌های متفاوتی به خود می‌گیرند، که شکل‌های متمایز و عمیقاً متمایز هویتی، معانی و مفاهیم از نوع عمیق را بیان و درک می‌کند. «کند و کشیده حرف‌زدن»^۱ [یک روش صحبت کردن آهسته و کشیده است که به ویژه در جنوب ایالات متحده رایج است، گاهی اوقات گفته می‌شود که بومیان استرالیا و نیوزلند نیز این چنین صحبت می‌کنند] نگاهیان اسطوره‌ای استرالیایی چیزی بیشتر از یک نوع صحبت کردن است: از تمایل گسترده‌ای به زندگی و جهان صحبت می‌کند.

نشانه‌شناسی اجتماعی تحلیل گفتمان چندوجهی^۲، برای ارتباطات^۳ / اثرات متقابل^۴ و برای موجودیت‌های نشانه‌شناختی^۵ / متون^۶ در بردارنده چه مواردی است؟

اگر «چندوجهی بودن» نشان‌دهنده حوزه کاری و «نشانه‌شناسی اجتماعی»، نشان دهنده نظریه‌ای که در آن حوزه مورد استفاده قرار می‌گیرد باشند، بنابراین، در رابطه با هر یک نکات متعددی مطرح است. چند وجهی بودن، پیش از هر چیز، ایده «اولویت» داشتن وجوه زبان‌شناسانه را مردود می‌داند. و آن وجوه را به‌عنوان وسیله‌ای جزئی برای معناسازی به‌شمار می‌آورد. در اصل، هر کدام از وجوه ممکن است در استفاده از آن، در یک محیط خاص، «اولویت‌دار» شناخته شوند. وجوه، برخورد ما با جهان و ابزارهای ما برای ساختن دوباره جهان در موجودیت‌های نشانه‌شناختی از هر نوعی را شکل می‌دهند. این امر، هم از منظر «منطقی» وجوه - زمانی یا فضایی - و هم از نظر پیامدهایی که از آن در توسعه اجتماعی وجوه در یک جامعه خاص در طول زمان ناشی می‌شود؛ و از نظر کارایی انواع دیگر، به عنوان مثال تصویر (ثابت) در مقایسه با نوشتار، این‌گونه است. موجودیت‌های نوشتاری - واژگانی^۷، ترکیبی^۸، متنی^۹ - کاملاً متفاوت از موارد مرتبط با تصویر هستند: کلمات، متفاوت با تصویرسازی‌ها عمل

1 lazy drawl

2 social semiotic multimodal discourse analysis

3 communication

4 (inter-)action

5 semiotic entities

6 semiotic entities

7 lexical

8 syntactic

9 textual

می‌کنند و وسایل فضایی برای نشان دادن «ارتباط^۱» و «رابطه^۲» کاملاً بی‌شبهت با ترکیب‌بندی‌های نوشتاری است.

نشانه‌شناسی اجتماعی با تأکید بر آن‌چه از نظر ارتباطی به اشتراک گذاشته می‌شود، کمک می‌کند تا برای نشان دادن ارتباط و رابطه در هر کدام از وجوه، باید منابعی وجود داشته باشد، حتی اگر در هر حالت متفاوت باشد؛ ویژگی‌های معنا در همه وجوه مشترک هستند - شدت^۳، چارچوب‌بندی^۴، پیش‌زمینه^۵، برجسته‌سازی^۶، انسجام^۷ و یکپارچگی^۸، شکل‌های ژانر و غیره - هر چند که آن‌ها از وجه به وجه دیگر متفاوت خواهند بود. شدت، ممکن است به عنوان بلندی صدا در گفتار و اشباع رنگ، یا ضخامت یا پررنگ شدن در نوشته یا تصویر موجودیت پیدا کند.

از نظر ارتباطی، نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی یک رویکرد بلاغی را به ارمغان می‌آورد: این - که بلاغت به عنوان سیاست ارتباطات، نگرشی را می‌طلبد که در مورد محیط اجتماعی ارتباط و شرکت‌کنندگان در آن، در مورد روابط آن‌ها از نظر قدرت و ویژگی‌های اجتماعی آن‌ها تحقیق و پژوهش می‌کند. این کتاب بر مواردی که باید ارتباط برقرار شود و ابزارهای موجود برای تحقق بخشیدن به معانی مورد بحث و ابزارهایی که از نظر محیط اجتماعی و ویژگی‌های مخاطب مناسب‌ترین هستند، متمرکز است. طراح، معمولاً همان شخص متکلم، وظیفه دارد تا [نتایج حاصل از] ارزیابی بلاغی محیط، مخاطبان و ابزارهای تحقق آن‌ها را به طرحی تبدیل کند که به احتمال زیاد اهداف سیاسی بلاغت را برآورده می‌کند.

در دسترس بودن وجوهی که بر اساس منطق‌های مختلف زمانی و مکانی - یا هر دو - بنا شده‌اند، مانند زبان اشاره یا رقص - به ویژه به عنوان منبع طراحی، به عنوان مثال در طراحی متون یا سایر اشیاء نشانه‌شناسی بر اساس اصول مختلف مدولار، یا خطی بودن - یا استفاده از بینش‌های نظریه برای ارائه توضیحاتی در مورد نحوه عملکرد این اصول در وجوه مختلف، به همان اندازه در فرهنگ‌های مختلف مفید خواهد بود. نظریه‌ای که متضمن این تمایز باشد در «غرب» حیاتی است، جایی که شکل‌های خطی سازمان نشانه‌شناسی اکنون به شدت با

1 connection

2 relation

3 intensity

4 framing

5 foregrounding

6 highlighting

7 coherence

8 cohesion

شکل‌های ماژولار^۱ [کوچک مقیاس] به چالش کشیده می‌شوند - تا حدی به عنوان «انتقال» یک اصل از یک مکان فرهنگی اجتماعی که غالب بوده است به مکانی که تا آن زمان چنین نبوده، به اندازه تغییر موقعیت یک مکان ظهور و نمایش - از صفحه [کاغذی] - توسط دیگری - به صفحه [نمایشگر الکترونیکی].

در زمینه‌های مرتبط با ارتباطات بین فرهنگی^۲، رویکرد چندوجهی یک پیش نیاز اساسی بوده و بر همه شکل‌های ترکیب، در همه جا، اثرگذار خواهد بود، هر چند که این تأثیر در مکان‌های مختلف، متفاوت است.

چرا نشانه‌شناسی اجتماعی تحلیل گفتمان چندوجهی مهم است؟

با هر دیدگاهی که مواجهه با حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیکی، صورت پذیرد، ناگزیر باید توجه داشت که جهان در حال گذار سریع است و دنیایی است که سرعت «تحولات» در همه این وجوه و ابعاد، پرشتاب است - [شتابی که] تقریباً از کنترل ما خارج است. سرعت نقل و انتقالات، بی‌درنگ بودن دسترسی‌ها در بسیاری از حوزه‌ها، چارچوب‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جهان را تغییر داده است و با توجه به آن، چارچوب‌های منابع فرهنگی مورد بحث در حوزه نشانه‌شناسی، حوزه ساخت معنا نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند.

این واقعیت، مستلزم آن است که ابزارهای مناسب‌تر و دقیق‌تری مورد نیاز است، ابزارهایی که برای تعدد منابع نشانه‌شناختی مناسب بوده و در عین حال، برای ظواهر متغیر و تأثیرات قدرت بسیار متغیر در جهان بی‌انتهای و تقریباً فاقد چارچوب‌بندی نشانه‌شناسی، قابل استفاده باشند. بلاغت، زمانی ضروری است که احتمال بدیع بودن مناسبت ارتباطی وجود داشته باشد و اغلب عمیقاً متفاوت باشد.

به همین ترتیب، طراحی، در دنیایی با منابع بسیار متنوع، که بسیاری از آن‌ها بی‌درنگ مورد نیاز بوده و در دسترس و مورد استفاده قرار می‌گیرند، در خط مقدم وضعیت و جایگاه نشانه‌شناسی اصلی قرار دارد. طراحی، برای شکل‌های تعاملات اجتماعی به اندازه محتوای پیام-ها ضروری است. هم نیاز به طراحی و هم پتانسیل‌های طراحی افزایش یافته و [گویی که] به مراحل اصلی و مرکزی از فعالیت‌ها انتقال داده شده است. تصور (عدم) انسجام بسیار سخت‌تر و

1 modular forms

2 cross-cultural communication

مشکل تر است: انسجام و ناسازگاری با همه‌جایی بودن نمایشگرها بیشتر نمایان شده و با حرکت به سوی قدرت سازمان یافته افقی^۱، دستیابی به آن دشوارتر می‌شود. در دنیایی با تنوع^۲ و تغییرپذیری^۳ بسیار بیشتر، وجود طیف گسترده‌ای از وجوه موجود و در دسترس، احتمالات و ظرفیت‌های بازنمایی مناسب از جهان را افزایش می‌دهد. این امر «امکانات رونوشت‌برداری»^۴ از وجوه را به ویژگی‌های مطلوب^۵ یا حیاتی^۶ تبدیل می‌کند: جهانی که به صورت نوشتاری «رونویسی» می‌شود و روایت^۷ می‌شود، با جهانی که در چندین وجه با امکانات و کارایی‌های متفاوت، منطقی‌ها و ژانرهای متفاوت «رونویسی شده» است، متفاوت خواهد بود.

استفاده ما از اصطلاح «رونویسی» در این جا به یک مشکل اساسی برای تحلیل گفتمان چند وجهی اشاره می‌کند: اصطلاحات و واژگان موجود برای توصیف جهان نشانه‌شناسانه چند وجهی که تشکیل شده و به رسمیت شناخته شده دیگر چندان مناسب نیست و آن جهان نیاز فوری به تغییر نام دارد. ما این برچسب‌ها را از دنیایی آورده‌ایم که بر مبنای برتری زبان و به ویژه نوشتار بنا شده است. استفاده از اصطلاحاتی که بار سنگینی از نظریه‌های گذشته را برای اجرایی کردن وظایف متفاوتی طراحی کرده‌اند، که اکنون کاملاً متداولند، احتمالاً این اقدام جدید را در توسعه خود منحرف خواهند کرد. در این جا دستور کار و فهرست وسیعی برای بحث و تبادل آراء وجود دارد. هم‌چنین نوید دیدن و انجام بهتر کارها وجود دارد. هر دوی این‌ها در مواجهه با مشکلاتی که هم‌اکنون جهان معنا^۸ را تعریف می‌کنند ضروری خواهد بود.

1 horizontally organized power

2 variety

3 variability

4 'transcriptional possibilities

5 desirable

6 essential

7 narrative

8 the world of meaning

منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

- Jewitt, C. (2008) *Technology, Literacy, Learning*. London: RoutledgeFalmer.
- این کتاب، مفاهیم اصلی و محوری در تجزیه و تحلیل چند وجهی را معرفی کرده و تجزیه و تحلیل متون در رسانه‌های مختلف را در سه حوزه از برنامه‌های آموزشی، ارائه می‌دهد: [زبان] انگلیسی، ریاضیات و علوم تجربی.
- Jewitt, C. (2009) *The Routledge Handbook of Multimodal Analysis*. London: RoutledgeFalmer.
- فصل‌های مفهومی مشخصی از نظریه پردازان و متخصصان برجسته در حوزه‌های کاری مختلف تحلیل چند وجهی، در چارچوبی وسیع از نگاه «موقعیت^۱ نظری، توسط نویسنده‌ی این کتاب ارائه شده است.
- Hodge, R. I. V. and G. R. Kress (1988) *Social Semiotics*. Cambridge: Polity Press.
- طیف وسیعی از مواد - عکس، مجسمه، روزنامه‌ها، نقاشی‌ها، متون ادبی - برای توسعه یک رویکرد اجتماعی مبتنی بر نشانه‌شناسی، که از نظریه‌های زبانی مشتق نشده است، استفاده می‌شود.
- Kress, G. R. (2010) *Multimodality: A Social Semiotic Take on Contemporary Communication*. London and New York: RoutledgeFalmer.
- چندوجهی بودن^۲ در چارچوبی شامل نشانه‌شناسی اجتماعی، همراه با طیف گسترده‌ای از موادی که نمونه‌هایی از سازنده معنا در سایت‌ها و رسانه‌های معاصر هستند، به دست آمده است.
- Mavers, D. (2010) *Children's Writing and Drawing: The Remarkable in the Unremarkable*. New York and London: RoutledgeFalmer.
- روایتی فوق‌العاده دقیق که مستندسازی تولید معنا در حوزه بصری-گرافیکی است، با تمرکز زیرکانه بر ابزارهای تشخیص آثار نشانه‌ای.
- Norris, S. (2004) *Analysing Multimodal Interaction: A Methodological Framework*. London and New York: RoutledgeFalmer.
- موقعیتی دقیق که از دل پیچیدگی‌های تعامل چند وجهی، روش‌هایی را برای مقابله با پیچیدگی‌های مدیریت چنین موادی در پژوهش‌ها، ارائه می‌کند.

1 location'

2 Multimodality

منابع

- Bernstein, B. (1984) *Class, Codes and Control: Theoretical Studies Towards a Sociology of Language*. Vol. I. London, Routledge and Kegan Paul.
- Bezemer, J. and Kress, G. (2008) 'Writing in multimodal texts: a social semiotic account of designs for learning', *Written Communication*, 25 (2): 166–195 (Special Issue on Writing and New Media).
- Bezemer, J. and Kress, G. (2009) 'Visualizing English: a social semiotic history of a school subject', *Visual Communication*, 8: 247–262 (Special Issue on Information Environments).
- Brown, R. and Gilman, A. (1968) 'The pronouns of power and solidarity', in Thomas A. Sebeok (ed.) *Style in Language*. Cambridge, MA: MIT Press, pp. 253–276.
- Chomsky, N. A. (1957) *Syntactic Structures*. The Hague: Mouton.
- Chomsky, N. A. (1965) *Aspects of the Theory of Syntax*. Harvard, MA: MIT Press.
- Fairclough, N. (1989) *Language and Power*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1992) *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.
- Foucault, M. (1981) 'The Order of discourse', in R Young (ed.) *Untying the Text: A Post-Structuralist Reader*. London and New York: Routledge and Kegan Paul, pp. 48–78.
- Fowler, R., Hodge, B., Kress, G., and Trew, T. (eds.) (1979). *Language and control*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Franks, A. (1995) 'The Body as a Form of Representation', *Social Semiotics*, 5 (1): 1–21.
- Franks, A. (1997) 'Drama, desire and schooling', *Changing English*, 4 (1): 131–148.
- Franks, A. and Jewitt, C. (2001) 'The meaning of action in learning and teaching', *British Educational Research Journal*, 27 (2): 201–221.
- Gee, J. P. (1999) *Introduction to Discourse Analysis*. New York: Routledge.
- Gee, J. P. (2008) *Social Linguistics and Literacies: Ideologies in Discourses*. Abingdon: Routledge.
- Gibson, J. J. (1986) *The Ecological Approach to Visual Perception*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Gumperz, J. (1982) *Discourse Strategies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Habermas, J. (1984) *The Theory of Communicative Action: Reason and the Rationalization of Society*. Boston, MA: Beacon Press.
- Halliday, M. A. K. and Hasan, R. (1976) *Cohesion in English*. London: Longman.
- Hodge, R. and Kress, G. (1988) *Social Semiotics*. Cambridge: Polity Press.
- Hodge, R. and Kress, G. (1993) *Language as Ideology*, 2nd edn. London: Routledge.

- D. Hymes, (ed.) (1964) *Language in Culture and Society: A Reader in Linguistics and Anthropology*. New York: Harper and Row.
- Insulander, E. (2008) 'The museum as a semi-formal site for learning'. *Medien Journal. Lernen. Ein zentraler Begriff für die Kommunikationswissenschaft*. 32. Jahrgang. Nr. 1/2008.
- Insulander, E. and Lindstrand, F. (2008) 'Past and present – multimodal constructions of identity in two exhibitions', Paper for Comparing National Museums: Territories, Nation-Building and Change, NaMu IV 18–20 February 2008, Linköping University, Norrköping, Sweden.
- Jewitt, C. (2008) *Technology, Literacy, Learning*. London: RoutledgeFalmer.
- Jewitt, C. (2009) *The Routledge Handbook of Multimodal Analysis*. London: RoutledgeFalmer.
- Jewitt, C. and Kress, G. (2003) 'Multimodal research in education', in S. Goodman, T. Lillis, J. Maybin, and N. Mercer (eds.) *Language, Literacy and Education: A Reader*. Stoke on Trent: Trentham Books /Open University, pp. 277–292.
- Kress, G. R. (1975) 'Tense as Modality', *UEA Papers in Linguistics*, 3.
- Kress, G. R. (1982) *Learning to Write*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Kress, G. R. (1984/1989) *Linguistic Processes in Sociocultural Practices*. Geelong: Deakin University Press, Oxford: Oxford University Press.
- Kress, G. R. (2001) *Early Spelling. From Creativity to Convention*. London: RoutledgeFalmer.
- Kress, G. R. (2003) *Literacy in the New Media Age*. London: RoutledgeFalmer.
- Kress, G. R. (2009) 'What is mode?', in C. Jewitt (ed.) *Routledge Handbook of Multimodal Analysis*. London: Routledge, pp. 54–67.
- Kress, G. R. (2010) *Multimodality: A Social Semiotic Approach to Contemporary Communication*. London: RoutledgeFalmer.
- Kress, G. and Aers, D. (1982) 'The politics of style in measure for measure', *Style* 16(1): 22–37.
- Kress, G. and Bezemer, J. (2009) 'Writing in a multimodal world of representation', in R. Beard,
- D. Myhill, M. Nystrand, and J. Riley (eds.) *SAGE Handbook of Writing Development*. London: Sage, pp. 167–181.
- Kress, G. R., Bourne, J., Franks, A., Hardcastle, J., Jewitt, C., and Jones, K. (2004) *English in Urban Classrooms: A Multimodal Perspective on Teaching and Learning*. London: RoutledgeFalmer.
- Kress, G. R. and Hodge, R. I. V. (1979) *Language as Ideology*. London: Routledge and Kegan Paul.

- Kress, G., Jewitt, C., Ogborn, J., and Tsatsarelis, C. (2001) *Multimodal Teaching and Learning: The Rhetorics of the Science Classroom*. London: Continuum.
- Kress, G. R. and van Leeuwen, T. (1996/2006) *Reading Images: The Grammar of Graphic Design*. London: RoutledgeFalmer.
- Labov, W. (1966) *The Social Stratification of English in New York City*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Labov, W. (1972) *Language in the Inner City*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Lindstrand, F. (2010) 'Transformed meanings – multimodal meaning-making at the museum', in Selander, S. (2008b). 'Designs for learning – A theoretical perspective'. *Designs for Learning*, 1 (1): 10–24.
- Mavers, D. (2007) 'Semiotic resourcefulness: a young child's email exchange as design', *Journal of Early Childhood Literacy*, 7 (2): 155–176.
- Mavers, D. (2009) 'Student text-making as semiotic work', *Journal of Early Childhood Literacy*, 9 (2): 141–155.
- Mavers, D. (2010) *Children's Writing and Drawing: The Remarkable in the Unremarkable*. New York and London: RoutledgeFalmer.
- Rorty, R. (1967) *The Linguistic Turn. Essays in Philosophical Method*. Chicago and London: The University of Chicago Press.
- Sinclair, J. M. H. and Coulthard, R. M. (1975) *Towards an Analysis of Discourse: The English Used by Teachers and Pupils*. Oxford: Oxford University Press.
- Van Dijk, T. (1977) *Text and context. Explorations in the semantics and pragmatics of discourse*. London: Longman.
- Van Dijk, T. and Kintsch, W. (1983) *Strategies of Discourse Comprehension*. London: Academic Press.
- Van Leeuwen, T. (2005) *Introduction to Social Semiotics*. London: RoutledgeFalmer.
- R. Wodak and M. Meyer (eds.) (2001) *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: Sage Publications